

انقلاب اسلامی ایران آخرین انقلابی است که در قرن بیستم به وقوع پیوست و زمینه‌ها، اوج‌گیری و پیروزی آن نیز متمایز از دیگر انقلاب‌های اجتماعی دو قرن گذشته بود. می‌توان گفت انقلاب اسلامی برخلاف نظریه‌هایی که عمدتاً بر پایه نزاع طبقاتی و مبتنی بر مبارزه مسلحانه پیشاهنگ و احزاب انقلابی پیشرو که می‌توان چارچوب تجربی و نظری آن را در مقاله معروف لنین به نام "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک" یافت، انقلابی بود بر اساس جنبش‌های اجتماعی و بیداری گروه‌های اجتماعی و این جنبش‌ها و گروه‌ها توسط یک قرائت و اندیشه انقلابی از اسلام و آموزه‌های مبارزه و مقاومت تشیع و قیام عاشورا هم به عنوان راهبرد انسجام‌بخش و هم به عنوان یک سرمایه اجتماعی فراگیر و قابل فهم و قابل دسترس پیوند معنی‌داری را رقم زدند. انقلاب اسلامی ایران برخلاف آموزه‌های انقلاب‌های چپ که همزمان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در حال شکل‌گیری بود و برخلاف استراتژی مبارزه مسلحانه ده ساله گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی مارکسیست و مسلمان در ایران، بر پایه بیداری جامعه که افرادی نظیر دکتر شریعتی نقش موثری در آن داشتند و با رهبری کارآمد امام خمینی (ره) که قرائتی انقلابی از اسلام ارائه نمود و مبتنی بر جنبش‌های اجتماعی نظیر دانشجویی، بازاریان، روحانیون، کارمندان، دانش‌آموزان و روشنفکران انقلاب، به وقوع پیوست و از همه مهم‌تر سرکوب نگردید و به پیروزی رسید. البته نمی‌توان مبارزات مسلحانه گروه‌های مختلف در جامعه را در زمینه‌سازی وقوع انقلاب بی‌تاثیر دانست: مجاهدت‌های حداقل ۵۰ ساله ایران برای مبارزه با خاندان پهلوی در ابعاد مختلف بخصوص در ده سال آخر. در سه مرحله زمینه‌های وقوع، وقوع انقلاب و پیروزی انقلاب همه گروه‌ها و مبارزان به عنوان زمینه‌سازان انقلاب سهم داشته‌اند، اما در وقوع و پیروزی انقلاب، مشی مسلحانه پیشاهنگ، نقش بسیار کم رنگی به عهده داشت.

در چنین مضمون سیاسی و اجتماعی در زمان وقوع انقلاب که از اوایل سال ۵۶ شروع و تا بهمن ۵۷ به طول انجامید و به پیروزی رسید، این سوال مطرح است که آیا در درون گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی ایران و در راهبردهای ارائه شده از سوی رهبری انقلاب، آیا مطالباتی که مربوط به توسعه و ترقی ایران از نظر اقتصادی و اجتماعی باشد، وجود داشت یا خیر؟

به نظر می‌رسد در اغلب انقلاب‌های جهان تقاضاهایی برای زندگی بهتر، رفاه عمومی و ترقی خواهی اقتصادی وجود داشته است. در انقلاب فرانسه، انقلاب اکتبر و انقلاب الجزایر، انقلابیون علاوه بر هدف‌های آزادی خواهانه و سیاسی خواستار موقعیت بهتری برای جامعه آینده بودند. همچنین در انقلاب مشروطیت نیز علاوه بر درخواست مشروطیت در ساختار قدرت پادشاهی و تاسیس عدالتخانه، انقلابیون خود را با کشور مصر و عثمانی، کشورهای اروپایی نظیر فرانسه، انگلستان و ژاپن از نظر توسعه، ترقی و رفاه اجتماعی مقایسه می‌نمودند. مثلاً در آن زمان نخبگان و مردم شرایط خود را با تاسیس راه‌آهن در قفقاز و وجود کمپانی‌ها در ایتالیا، فرانسه و انگلستان و آبادانی شهرها و روستاهای باکو و مقایسه مالیات‌گیری در ایتالیا به نفع منافع عمومی و صرف دریافت مالیات در ایران آن زمان به نفع حکام ایالتی و حسرت از وجود مدارس و دانشگاه‌ها در ایران، در مقایسه با فرنگ و تاسیس کارخانجات مختلف در ایران برای جلوگیری از ورود قند، چیت و پارچه لباس از روسیه و فرنگ و آبله‌کوبی و صحنه عامه به عنوان سلامت عمومی و... مقایسه می‌کردند. وجود این واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که در انقلاب مشروطیت نیز علاوه بر مطالبات سیاسی تقاضاهای اقتصادی، اجتماعی و رفاهی نیز برای جامعه آرمانی آینده در سر می‌پروراندند. در جریان انقلاب اسلامی نیز حداقل از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به بعد، بحث تخریب کشاورزی به دلیل اجرای ناشیانه اصلاحات ارضی، مدنظر انقلابیون بوده است و وابستگی صنعت و بازارهای ایران به صنایع ساخته شده اروپایی و آمریکایی مورد توجه و هدف‌گذاری آنان قرار داشته است و مبارزه و انقلاب را در جهت اصلاح این گونه تعارضات و مشکلات اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند. در زمان وقوع انقلاب در سال‌های ۵۶ و ۵۷ از سوی گروه‌های اجتماعی، مردم و رهبری، موارد زیر مورد توجه قرار داشته است:

الف) در اثر اجرای ناشیانه اصلاحات ارضی، کشاورزی ایران نابوده شده و دهقانان و برزگران به خاطر عدم صرفه اقتصادی و تامین معاش به شهرها هجوم آورده‌اند و به بیکاران شهرها پیوسته‌اند. بنابراین انقلاب نوید حل مسائل کشاورزی و دهقانان و برزگران می‌داد.



وضعیت توسعه ایران؛ ۳۰ سال پس از انقلاب

محمدحسین شریف‌زادگان*

ب) با تخریب کشاورزی ایران زمینه برای واردات گندم و برنج آمریکایی به ایران فراهم گردید و حتی سعی شد ذائقه ایرانی، از نان و گندم به برنج تغییر یابد و بازاری مطمئن و پایداری برای محصولات آمریکایی فراهم شود. انقلاب باید زمینه‌ساز خودکفایی ایران در کشاورزی شود و نان و برنج را خود ایران تولید کند.

ج) صنعت در ایران اساسی و اصولی نیست و فقط مونتاژ کالاهای غربی است. اگر انقلاب پیروز شود، صنایع ایران اساسی و اصولی و غیرمونتاژ شده و سعی می‌کند نیازهای داخلی را تامین نماید.

د) به روستاها از نظر توسعه رسیدگی نشده است. ایران پیشرفت نکرده است، ما باید مثل کشورهای اروپایی و ژاپن پیشرفت نماییم.

و) دانشگاه‌های ما وابسته‌اند و باید بتوانند دانشمندان و کارشناسان با ویژگی‌های اسلامی و ایرانی برای آبادانی ایران تربیت کنند.

ز) ارتش ایران وابسته به آمریکاست، باید ارتش مستقل و اسلامی و ملی ایجاد شود.

ح) بهداشت و درمان ایران مناسب نیست، بیمارستان و درمانگاه بخصوص در مناطق محروم کم داریم، نباید پزشک خارجی در ایران باشد و ما خودمان باید به اندازه کافی پزشک تربیت کنیم. بیماری‌های خطرناک باید ریشه کن شود.

ط) مناطق محروم ایران مثل سیستان و بلوچستان باید آباد شوند و پیشرفت کنند.

ی) فرهنگ ایران باید به جای ایتالیا، فرهنگ انسان‌ساز و بالنده باشد و بی‌سوادی ریشه کن شود. بنابراین می‌توان گفت که اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی در بطن شعارها و هدف‌های انقلاب اسلامی کاملاً مشهود بوده است و از سوی دیگر در ذهن رهبران و گردانندگان انقلاب نیز، ایده‌هایی برای توسعه آینده ایران وجود داشته است.

حال بعد از سسی سال که از فراز و فرودهای فراوان سیاسی و اجتماعی فراوری کشور اعم از وقوع و پیروزی انقلاب، درگیری‌های داخلی اوایل انقلاب و سپس ۸ سال جنگ تحمیلی و انواع تحریم‌های اقتصادی می‌گذرد، می‌توان تحولات توسعه انقلابی در ایران را ارزیابی نمود و تحقق وجوه مختلف آن را به قضاوت نشست. در حوزه توسعه اقتصادی و اجتماعی موارد زیر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد:

۱- روندهای کلان توسعه که موجبات رشد اقتصادی پایدار را فراهم می‌آورد و می‌تواند کار را به مدارهای بالاتری از توسعه اقتصادی

برساند، در چه وضعیتی قرار دارند؟

۲. توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی نظیر کشاورزی و صنعت چگونه است؟

۳. توسعه منطقه‌ای و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای چگونه رقم خورده است؟

۴. توسعه اجتماعی اعم از بهداشت و درمان و آموزش در چه وضعیتی قرار دارد؟

۵. توسعه فرهنگی - اجتماعی چگونه است؟

۶. کاهش فقر و نابرابری چه موقعیتی را حائز است؟

۷. توسعه در علوم و فناوری نوین در ایران، در چه مداری قرار دارد؟

در مورد روندهای توسعه در ایران باید اذعان داشت که علیرغم تهیه پنج برنامه و تصویب و اجرای چهار برنامه که همگی برای توسعه ایران تهیه شده بودند، هنوز خصوصیات یک توسعه با رشد اقتصادی پایدار برای ایران رقم نخورده است. خارج شدن از وابستگی دولت‌ها به درآمدهای نفتی همواره در حد ۶۰ درصد باقی مانده و تکالیف برنامه چهارم توسعه برای خارج شدن تدریجی از

وابستگی درآمدهای دولت به نفت انجام نشده است. از ابتدای انقلاب این آگاهی در تصمیم‌سازی اقتصادی مطرح بوده است که بتوان اقتصاد ایران را از تله نفتی و رانتی بودن اقتصاد از جانب وابستگی به نفت از طریق سرمایه‌گذاری جداگانه درآمدهای نفتی برای توسعه، رها نمود. اما این امر تاکنون محقق نشده است. روندهای توسعه‌یافتگی ایران که بعضاً الگوی توسعه گفته می‌شود و حتی گاهی با روش توسعه کره جنوبی نیز مقایسه می‌شد، هنوز نتوانسته است جایگاه خود را پیدا کند. دلایل فراوانی اعم از علت‌های اجتماعی، تاریخی، ساخت دولت، نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و نظام فلسفی نگاه به توسعه، برای

عدم توفیق در این زمینه وجود دارد. مهم‌ترین نشانه آن نیز تغییر در راهبردهای اصلی توسعه در تغییر دولت‌ها است؛ زیرا چنانچه جریان توسعه اقتصادی در ایران شکل می‌گرفت و کارآمدی خود را نشان می‌داد، تغییر راهبردهای اصلی با

جابجایی دولت‌ها به راحتی امکانپذیر نبود.

در زمینه توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌توان گفت در بخش کشاورزی تحولات مثبتی به وقوع پیوسته است که مهم‌ترین آن توجه به بخش کشاورزی، تأسیس شورای عالی

کشاورزی در دهه اول انقلاب و تأسیس جهاد سازندگی و خدمت‌رسانی و پشتیبانی تولید

کشاورزی و از همه مهم‌تر اصلاح تدریجی قیمت محصولات کشاورزی است که توانست

صرفه‌های اقتصادی تولید کشاورزی را برای دهقانان و برزرگران ایرانی فراهم سازد؛ به نحوی

که در زمینه تولید گندم و بالا بردن عملکرد تولید در هکتار و سایر محصولات کشاورزی

به توفیق قابل توجهی دست یافتیم. خودکفایی در محصولات لبنی و تولید گوشت سفید و قرمز

(در حالی که ایران جزء بزرگ‌ترین واردکنندگان گوشت در حد ۴۰۰ هزار تن در سال بود) از

دستاوردهای این بخش است. در عین حال هنوز کشاورزی ایران بخصوص در بخش

زراعت به شکل سنتی اداره می‌شود و مکانیزه کردن و یکپارچه نمودن اراضی در ایران کاملاً

آهسته و بسیار کند انجام می‌پذیرد. تحولات بخش کشاورزی و افزایش بهره‌وری در آن به

گواه سازمان بهره‌وری بین‌المللی آسیا از تمامی بخش‌های اقتصادی ایران بیشتر بوده است.

در بخش صنعت، تلاش‌های فراوانی به منظور یافتن پایه‌های اصلی صنعتی شدن صورت

گرفت و بسیاری از صنایع سنگین نظیر فولاد، سیمان و پتروشیمی با افزایش چندین برابر تولید

مستقر شدند و صنایع مونتاژ در بسیاری از رشته‌های صنعتی به نفع ساخت و تولید داخلی

تغییر یافت. صنعت اتومبیل ایران گسترش چشم‌گیری یافت. در صنعت داروسازی، ایران

به مرزهای خودکفایی نزدیک شده است و در تولید و راه‌اندازی کارخانجات سیمان،

پالایشگاه‌های نفت و گاز، نیروگاه‌های تولید برق به توانایی کاملی دست یافته است.

با این همه نمی‌توان با توجه به سهم نامناسب صنعت از درآمد ملی، ایران را در جرگه کشورهایی که روندهای اصلی صنعتی شدن

را طی می‌کنند قرار داد.

دلایل فراوانی برای این امر وجود دارد که می‌توان به رانتی بودن بیش از اندازه بخش

صنعت در ایران، فراهم نبودن شرایط کسب و کار برای فعالیت بخش خصوصی در صنعت و

محدودیت شدید برای ایجاد ابتکار بخش خصوصی و همچنین محدودیت‌های اصلی در فضای کسب و کار اشاره نمود.

در زمینه توسعه منطقه‌ای از اوایل انقلاب با نگاه به مناطق و استان‌ها سعی شد از راه‌های مختلف

خدمات برتر، کارخانجات و واحدهای تولیدی، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و

ارتباطات جادمای و ریلی، توزیع مناسبتری نسبت به قبل از انقلاب داشته باشد، که این امر در طی ۳۰ سال گذشته به انجام رسیده است و امروز شاهد شکسته شدن نظام قطبی جمعیت و فعالیت در ایران هستیم. علیرغم مهاجرت بیش از حد روستاییان به شهرها، در سطح سرزمین ایران توزیع جمعیت و فعالیت در مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ به شکل متعادل تری انجام پذیرفته است. بعضی از دلایل آن را می‌توان به گرایش تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران به عدم تمرکز و توسعه منطقی و انجام برنامه‌های استانی دولت‌ها نسبت داد. امروز همه مراکز استان‌ها دارای دانشگاه‌های علوم پزشکی و دانشگاه‌های دولتی، بیمارستان‌های تخصصی، فرودگاه و بسیاری از خدمات برتر هستند و دانشگاه آزاد اسلامی در اغلب مراکز شهرستان‌ها دایر شده است و راه‌های آسفالت و خدمات گازرسانی و آبرسانی بهداشتی فراهم گردیده است. اما باز هم نمی‌توان گفت سرزمین ایران از نظر آمایش سرزمینی دارای توزیع متعادل فعالیت و جمعیت است. هر چند به نظر می‌رسد روند آن به سمت بهبود به پیش می‌رود، اگر چه آهنگ آن کند است.

در حوزه‌های اجتماعی بخصوص از نظر آموزش و سلامت همه شاخص‌ها نشانگر روند بهبود در این زمینه است. تمامی بیماری‌های ایدیمیک در ایران مثل فلج اطفال، ریشه‌کن شده است و نظام سلامت در شهرها و روستاها مستقر است و شرایط برای استقرار نظام ارجاع در روستاهای کشور فراهم گردیده است. بنا بر گزارش W.H.O ایران یکی از ده کشور پیشرو در امر بهداشت است و علوم پزشکی ایران پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته است و در بسیاری از بخش‌های آن نظیر اورولوژی، چشم، قلب و عروق دستاوردهای مهمی کسب شده است. کاهش شدید مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و نوزادان در حال تولد و مادران و افزایش بسیار چشم‌گیر امید به زندگی به ۷۲ تا ۷۳ سال برای مردان و زنان، آموزش پزشکان و پرستاران تا مرز خودکفایی کشور، تولید داروهای اصلی در ایران تا مرز خودکفایی، تاسیس بیمارستان‌های عمومی و تخصصی در سراسر کشور (بخصوص مناطق محروم)، همگی نشان می‌دهد توفیقات چشم‌گیری در حوزه سلامت حاصل شده است. اما متأسفانه آشفتنگی در بازار درمان بخصوص در شهرهای بزرگ و نبودن نظام ارجاع سلامت از جمله مشکلات بسیار بزرگی

است که هنوز در کشور حل نشده است. در حوزه تامین اجتماعی نیز ایران یکی از معنود کشورهای در حال توسعه است که دارای قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی به شیوه مدرن امروزی است. بیش از ۶۳ درصد جمعیت ایران تحت پوشش نظام بازنشستگی قرار دارند که معطوف به داشتن شغل بیمه‌شدگان است. بیش از ۹۰ درصد از افراد جامعه تحت پوشش خدمات درمانی قرار دارند. همپای سازمان تامین اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، برای بازنشستگی روستاییان تاسیس شده است که ظرف ۴ سال بیش از ۶۰۰ هزار روستایی در این صندوق با مشارکت مالی خودشان عضویت یافته‌اند. سازمان بین‌المللی تامین اجتماعی وابسته به سازمان ملل اذعان دارد که ایران در شمار کشورهای پیشرو در زمینه بیمه‌های اجتماعی در کشورهای در حال توسعه قرار دارد. البته کارآمدی و پوشش بیشتر بیمه‌های اجتماعی از مشکلات اساسی آن است، بخصوص در بیمه‌های خدمات درمانی، افزایش سهم بیمه‌شده‌ها خطرات زیادی را برای بیمه‌شدگان از نظر اعتماد به آینده و خرید ریسک‌های زندگی‌شان به وجود آورده است. در زمینه آموزش می‌توان به گسترش آموزش عمومی از نظر جغرافیایی در اقصی نقاط کشور در همه مقاطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و امکان دسترسی به آن اشاره نمود. افزایش بیش از ده برابری تعداد دانشجو، تاسیس دانشگاه‌های علوم و تحقیقات و دانشگاه‌های علوم پزشکی در مراکز استان‌ها و دانشگاه آزاد در همه شهرستان‌ها، امکان آموزش عمومی و آموزش عالی را گسترده‌تر و قابل دسترس‌تر نموده است. در زمینه توسعه اجتماعی که عمدتاً به تغییر در کنش‌های اجتماعی مربوط است نیازمند مطالعه‌ای وسیع و دقیق هستیم، اما می‌توان به اجمال گفت گسترش گروه‌های اجتماعی متوسط بعد از انقلاب و جامعه شهرنشینی که از ۲۵۰ شهر به ۱۰۱۰ شهر رسیده است، مطالبات و مسائل اجتماعی جدیدی را بر اساس کیفیت زندگی جامعه نیمه مدرن و نیمه سنتی ایران، ایجاد نموده است. شاید بتوان گفت در مجموع افزایش فرهنگ عمومی و آگاهی‌های اجتماعی، میزان تحمل در تعاملات اجتماعی را افزایش داده است. ولی چنانچه گفته شد برای قضاوت در این مورد باید مطالعه مستقلی انجام پذیرد. لطمه دیدن

سرمایه‌های اجتماعی ایران از طریق کاهش اعتماد عمومی که بعضاً در مطالعات موردی و ملی انجام می‌گیرد، علامت‌های مناسبی را نشان نمی‌دهد. در زمینه کاهش فقر و نابرابری می‌توان به آمارهای استناد نمود که نشانگر مراحل قبل و بعد از انقلاب است. اگرچه آمار مربوط به فقر با مشکلاتی مواجه هستند اما روند کلی را می‌توان از این آمار استنباط نمود.^۲

سال	درصد جمعیت زیر خط فقر مطلق
۱۳۵۱	۳۷
۱۳۵۷	۳۰
۱۳۶۸	۲۶
۱۳۷۷	۲۰/۹
۱۳۸۰	۱۱/۱۴
۱۳۸۱	۱۰/۷
۱۳۸۲	۱۱/۳

این روند نشان دهنده کاهش شدید جمعیت زیر خط فقر، بعد از انقلاب است که نشانگر موفقیت نسبی سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی در رابطه با مساله فقر در ایران است.

همچنین ضریب جینی که نشان دهنده توزیع مناسبتر درآمد در لایه‌های درآمدی جامعه است طی سال‌های بعد از انقلاب بهبود یافته است.

سال	ضریب جینی
۱۳۵۸	۰/۵۱۲
۱۳۶۸	۰/۳۳۰
۱۳۷۸	۰/۳۳۰
۱۳۷۹	۰/۳۲۰
۱۳۸۰	۰/۳۲۵
۱۳۸۱	۰/۳۲۰
۱۳۸۲	۰/۳۲۰

شاخص رفاه اجتماعی نیز که ترکیبی از ضریب جینی و درآمد سرانه است، به شرح زیر بهبود نشان می‌دهد.

سال	شاخص رفاه اجتماعی (۱۳۸۰=۱۰۰)
۱۳۵۸	۹/۱
۱۳۶۸	۶۵/۸
۱۳۷۸	۹۶/۲
۱۳۷۹	۹۸
۱۳۸۰	۱۰۰
۱۳۸۱	۱۰۸/۹
۱۳۸۲	۱۱۸

پرداخت یارانه با هدف پرداخت به گروه‌های فرودست، اگرچه آثار مثبتی روی این گروه‌ها داشته است، موجب انقلاف منابع وسیعی گشته که هنوز نتوانسته است عملاً در مسیر هدفمند خود توزیع گردد.

در ایران با احتساب یارانه‌های غیرمستقیم انرژی، سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار یارانه پرداخت می‌گردد که عمدتاً نصیب طبقات مرفه‌تر جامعه می‌گردد. جدول زیر گواه خوبی برای این مهم است.

مقایسه بهره‌مندی دهک‌های درآمدی از کل یارانه‌ها (انرژی، کالاهای اساسی و دارو) در سال ۱۳۸۰.^۳

دهک اول	۲/۸
دهک دوم	۴/۹
دهک سوم	۶/۴
دهک چهارم	۷/۳
دهک پنجم	۸/۴
دهک ششم	۹/۲
دهک هفتم	۱۰/۸
دهک هشتم	۱۳/۳
دهک نهم	۱۵
دهک دهم	۲۰/۵

بنابراین لزوم انجام طرحی منطقی برای هدفمند کردن یارانه‌ها، به دلیل توزیع نامناسب آن‌ها، به شکل عمومی روشن می‌گردد. در عین حال یارانه‌ها آثار مثبتی روی گروه‌های فقیر جامعه داشته است؛ محاسبات نشان می‌دهد که ۱۵ درصد از کسانی که در سال ۱۳۸۳ زیر خط فقر نیستند، می‌توانند با قطع یارانه به زیر خط فقر سقوط کنند. گزارش بانک جهانی در سال ۱۳۸۳ در مورد اقتصاد ایران می‌گوید: "مسائل اجتماعی ایران از زمان انقلاب از اولویت مطلق برخوردار بوده است. برغم همه مشکلات مالی، دستاوردهای ایران در زمینه آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و کاهش فقر کاملاً چشمگیر بوده است، میزان فقر از رقم برآورده شده ۴۰ درصد پیش از انقلاب، به نزدیک ۲۰ درصد در حال حاضر (۱۳۷۷) کاهش یافته است. این دستاوردها با آنکه به سیاست توزیع درآمد فعال، با روش پرداخت نقدی و حمایت مستقیم از فقرا و از راه بسیار پیشرفته تأمین اجتماعی تحقق یافته است." همچنین هزینه‌های عمومی رفاه و تأمین اجتماعی در کل اقتصاد حدود ۳۰ درصد از درآمد ملی است و نسبت منابع بخش رفاه و تأمین اجتماعی به بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۴،

بدون احتساب یارانه غیرمستقیم انرژی، ۳۹/۰۴ درصد بوده است که نشان‌دهنده سهم بالای این امر در جمهوری اسلامی است که با متوسط این درصد در کشورهای اروپایی برابری می‌نماید. سیاست‌های رفاه و تأمین اجتماعی که در قانون رفاه و تأمین اجتماعی درج شده است، باید بتواند این هزینه‌ها را اثربخش نماید و کارآمدی لازم را در جهت تعادل اجتماعی و رفاه جامعه به وجود آورد.

در حوزه علوم و فناوری شکاف بین پیشرفت علمی در جهان اول و کشور ایران همچنان باقی است، اگر چه دستاوردهای خوبی در زمینه‌های مختلف فناوری به عمل آمده است اما در دو زمینه فناوری نوین، سلول‌های بنیادی و نانوتکنولوژی، به خاطر این که شروع کار در ایران با موج اول توسعه این تکنولوژی در جهان همراه بوده، ایران توانسته است جزو کشورهای طراز اول جهانی در پیشبرد این دو تکنولوژی نوین باشد.

براساس مبانی نظری و تجربی، هر زمان که در مورد توسعه بحث و بررسی می‌نماییم، به ناچار باید در مورد ساخت دولت و نسبت آن با توسعه اقتصادی نیز بحث شود. امروزه ساخت دولت و توسعه اقتصادی رابطه وثیق و معنی‌دار با یکدیگر دارند.

ساخت دولت‌های مداخله‌گر، غیرتوسعه‌ای، بزرگ و بوروکراتیک غیر کارآمد و نهایتاً دولت‌های رانتی همواره حناقل در ۴۰ سال گذشته همراه دولت‌های ایران بوده است و متأسفانه بعد از انقلاب نیز این خصوصیات نتوانسته است از دولت‌ها زدوده شود. به همراه این خصوصیات نظام‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ویژه آن نیز ظهور و بروز نموده است. تصمیم‌گیری متمرکز و غیرپاسخگو و با جهت‌گیری‌های بعضاً غیرعلمی و کارشناسانه از خصوصیات این گونه نظام‌های دولتی است. متأسفانه علیرغم تلاش‌های نظری و یا درج شده در برنامه‌های چهارگانه بعد از انقلاب، دولت‌ها در ایران هنوز مداخله‌گر و با نظام گسترده اداری و نظام تصمیم‌گیری نامناسب‌اند و نتوانسته‌اند به روشنی و در یک مضمون عملیاتی تکلیف خود را با اقتصاد دولتی، بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری خارجی، بوروکراسی دولتی، تجارت جهانی روشن نمایند و نقش دولت به عنوان تنظیم‌کننده نظام بازار تبدیل به یکی از بازیگران قوی در صحنه بازار شده است و عملاً به جای اعمال رویکرد بازار- دولت دولت‌ها عموماً نقش دولت-

بازار را ایفا کرده‌اند.

همواره این سوال مطرح است که آیا می‌توان بدون تغییر در ساخت دولت و نظام اداری تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن، توسعه اقتصادی و اجتماعی را در ایران به پیش برد. بنابراین یکی از موانع توسعه اقتصادی و اجتماعی در ایران، ساخت ناکارآمد دولت است و اگر چه از نظر مبانی تحلیلی و مفاد نوشته شده در برنامه‌های سوم و چهارم پیشرفت‌های زیادی در محیط دولت در ایران ایجاد شده است اما در عمل قدرت‌های موثری دیده نمی‌شود و بعضاً برعکس آن نیز عمل می‌شود.^۴ در مجموع اگر مطالب فوق را در حوزه کلان توسعه اقتصادی، توسعه بخش‌ها و توسعه اجتماعی تقسیم‌بندی کنیم، می‌توان گفت جمهوری اسلامی ایران در ایجاد روندهای توسعه مناسب برای توسعه اقتصادی شامل سیاست‌های اصلی، الگوها و ساختارهای اصلی لازم برای توسعه، با مشکلات جدی مواجه است، اما در بخش‌های اجتماعی دستاوردهای چشمگیری داشته است و در بعضی از بخش‌ها مثل کشاورزی، صنایع و زیربنای دارای پیشرفت‌های خاص و قابل توجهی بوده است. بدیهی است بدون حل مسائل کلان توسعه و الزامات آن، نظیر تغییر در ساخت دولت و مناسب‌سازی آن برای امر توسعه، پایداری توسعه اجتماعی و بخشی نیز در معرض خطر جدی قرار خواهند گرفت. بنابراین می‌توان گفت بعضی از تقاضاهای مطرح شده در زمان وقوع انقلاب در طی ۳۰ سال گذشته پاسخ داده شده است، نظیر حوزه‌های اجتماعی؛ بعضی نیز تا حدی پیگیری شده، مثل حوزه‌های بخش کشاورزی و صنعت و زیربنایها و بعضی نیز پاسخ‌های ضعیفی دریافت کرده است، نظیر روندهای کلان توسعه و الزامات آن، و عملاً می‌توان به تحول اجتماعی و اقتصادی ایران که خواست گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی پدیدآورندگان انقلاب اسلامی بوده است، با نگاه مثبت نگریست.

* عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
پانوش‌ها

۱. Business Environment

۱. مآخذ جدول: بر اساس اطلاعات تجمعی بانک مرکزی- سازمان برنامه و بودجه و مرکز آمار ایران
۲. مآخذ: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
۳. بدیهی است قضاوت دقیق در مورد هر یک از موارد فوق‌الذکر محتاج تحقیقات علمی دقیق و گسترده است.